



جیسون دمارس
خدمت حقیقت حاضر
جون ۲۰۱۶

عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالآباد همان است.

عبرانیان ۸:۱۳

چند سال پیش، هر سه ماه یک بار نامه‌ای تعلیمی می‌نوشتیم، که به زبان فارسی و اردو ترجمه می‌شد. ما شهادت‌های بسیاری در مورد مقالاتی که نوشته شد، دریافت نمودیم. از آنجا که سؤالاتی در مورد بسیاری از موضوعات و مطالب وجود دارد و همچنین تمایل زیاد به یادگیری و رشد کردن وجود دارد، این مسولیت و انگیزه را حس نمودم که بار دیگر آن را آغاز نمایم. هدف و خواست ما ایستادن در تعلیم برادر برانهم و نشان دادن واضح آن تعلیم می‌باشد. این مسولیت و کاری است که من برای آن فراخوانده شده‌ام.

نسخه‌ی ماه جون، سه موضوع مهم را پوشش می‌دهد:

۱. قدرت دعا
۲. اهمیت خدمت اثبات شده‌ی ملاکی ۴ در ایام آخر
۳. گناه اولیه

شده است. البته این، تأثیر فوری دارد، اما دربردارنده‌ی تأثیر نبوتی نیز می‌باشد. ما بلافاصله نسل زن را می‌بایم (از طریق شوهر به حق او، آدم) و مار با کشتن هابیل به دست قائن، دشمنی را آشکار کرد؛ در نهایت آن دشمنی، در مرگ و قیام عیسی مسیح تحقق می‌یابد.

نکات مخفی در بافت کتاب مقدس، تفسیر تاریخی یهودی، زمان افعال در پیدایش ۱:۴ و داوری که برای نخستین خانواده در نظر گرفته شد، همه به یک نتیجه اشاره دارند، که خوردن از درخت معرفت یک استعاره بود. این تصادفی نیست، بلکه مکاشفه‌ای است از آنچه در واقع، خوردن از درخت معرفت می‌باشد. مار تحت تأثیر شیطان، حوا را برای انجام یک عمل جنسی فریفت، که منجر به آبستن شدن قائن شد و دیرتر در همان روز او با آدم رابطه داشت که منجر به آبستن شدن هابیل شد.

با تشکر از عضویت شما در «خدمت حقیقت حاضر»، که در حال انجام خدمات بشارتی در خاورمیانه می‌باشد. هدف ما موعظه‌ی پیغام زمان آخر، در هر مکانی است که خداوند ما را فرامی‌خواند. دعاها و حمایت شما، ما را قادر به انجام این امر خواهد ساخت. شما می‌توانید به سایت peygham.net رفته و خدمات در حال پیشرفت ما را حمایت کنید، یا به این آدرس برای ما نامه بنویسید:

Present Truth Ministries
P. O. Box: ۳۴
Hopkins, MN ۵۵۳۴۳

قدرت دعا

ما اغلب دعا را جدی نمی‌گیریم. متأسفانه در این ایام ما زمان زیادی را در فیس‌بوک، آیفون و گوشی اندروید خود سپری می‌کنیم، و زمان بسیار کمی را در دعا می‌باشیم. ما بسیار ضعیف زندگی می‌کنیم، قدرت خدا در زندگی مان بسیار کم است، چون بسیار کم دعا می‌کنیم. توجه کنید که دیدگاه داوود پادشاه نسبت به خدا چه بود.

"ای خدا، تو خدای من هستی. در سحر تو را خواهم طلبید. جان من تشنه‌ی تو است و جسمم مشتاق تو در زمین خشک تشنه‌ی بی‌آب. چنانکه در قدس بر تو نظر کردم تا قوت و جلال تو را مشاهده کنم. چونکه رحمت تو از حیات نیکوتر است. پس لب‌های من تو را تسبیح خواهد خواند. از این رو تا زنده هستم تو را متبارک خواهم خواند. و دست‌های خود را به نام تو خواهم برافراشت. جان من سیر خواهد شد چنانکه از مغز و بیه، و زبان من به لب‌های شادمانی تو را حمد خواهد گفت، چون تو را بر بستر خود یاد می‌آورم و در پاس‌های شب در تو تفکر می‌کنم." مزامیر ۱:۶۳ - ۶ (مزمور داود هنگامی که در صحرای یهودا بود).

او صبح زود در دعا به خدا نزدیک می‌شد، چون جسم و جان او مشتاق خدا بود، این کار را به این طریق انجام می‌داد! او اشتیاق خود را مانند مردی که در بیابان است و دنبال آب می‌گردد، توصیف کرد. این یک اشتیاق ثانویه نیست. هنگامی که شما تشنه و در بیابان هستید، در حال تحلیل رفتن می‌باشید. شما تنها یک هدف در زندگی دارید و آن یافتن آب است، تا بتوانید نجات یابید. بنابراین، اگر دعا در حضور خدا جوییدن حیات می‌باشد، باید با یک هدف انجام گردد، مانند مردی تشنه در بیابان. او مشتاق بود حرکت خدا را همان‌طور در زندگی شخصی‌اش ببیند که در قدس، در ملاء عام دیده بود. او می‌خواست جلال شکینه در واقعیت در زندگی شخصی‌اش نمایان شود. او

افزایش درد در حاملگی و زایمان مجازات نمود. بار دیگر، اگر او هنوز حامله نشده بود، چرا باید درد زایمان او افزایش می‌یافت؟

مجازات مار

"پس خداوند خدا به مار گفت: چونکه این کار کردی، از جمیع بهایم و از همه‌ی حیوانات صحرا ملعون‌تر هستی! بر شکمت راه خواهی رفت و تمام ایام عمرت خاک خواهی خورد. و عداوت در میان تو و زن، و در میان ذریت تو و ذریت وی می‌گذارم؛ او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه‌ی وی را خواهی کوبید." پیدایش ۱۴:۳ - ۱۵

اجازه می‌دهم محقق مشهور کتاب مقدس آدام کلارک^{۱۲} بخش اول لعنت را توضیح دهد:

"این ناشایسته (مار)، که گمان می‌کنم از همه‌ی حیوانات صحرا ملعون‌تر است، و به نوعی با انسان در یک جامعه بوده و رابطه داشته، باید شدیداً پست شود، بطور کامل از جامعه انسانی طرد شود، و از عطیه‌ی تکلم محروم شود. «از جمیع بهایم و از همه‌ی حیوانات صحرا ملعون‌تر هستی! از جمیع حیوانات پست‌تر تلقی خواهی شد؛ بر شکمت راه خواهی رفت و تمام ایام عمرت خاک خواهی خورد.» دیگر راست و قائم راه نخواهی رفت..."

این لعنت دوگانه است، یکی بر مار فیزیکی، و دوم بر ابلیس است که از مار به عنوان یک ابزار استفاده کرد. میان زن و مار، و میان نسل مار و نسل زن، دشمنی گذارده

^{۱۲} Adam Clarke

قائن می‌باشد. هرچند این مستقیماً عمل آستن شدن قائن را به مار متصل نمی‌سازد، زمان افعال بین عمل آدم و آستن شدن قائن فاصله می‌اندازد. آدم به آستن شدن قائن مرتبط نمی‌باشد. این توضیح مطابق با مابقی متن کتاب مقدس می‌باشد، که قبلاً بررسی کردیم.

بنابراین، این اعتراض که پیدایش ۱:۴ مورد ساده و شفافی است که قائن را، از ذریت مار بودن، رد می‌کند؛ تکذیب شد. مقایسه پیدایش ۱:۴ با پیدایش ۱۷:۴ و ۲۵ آشکار می‌سازد که چیزی متفاوت در پیدایش ۱:۴ صورت پذیرفته است. ارتباط مستقیمی بین زمان افعال و دو عمل وجود ندارد. آنها دو عمل متمایز می‌باشند و توسط دو زمان فعل متمایز از هم جدا شده‌اند.

مجازات زن

اگر شما مجازاتی را که حوا در پیدایش ۱۶:۳ دریافت نمود، بررسی کنید؛ فرایند حاملگی و زایش را در آن می‌بینید.

"و به زن گفت: الم و حمل تو را بسیار افزون گردانم؛ با الم فرزندان خواهی زایید و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو حکمرانی خواهد کرد." پیدایش ۱۶:۳

اگر گناه نخستین به معنای واقعی کلمه، خوردن میوه از درخت ممنوعه بود، چرا خدا زن را با افزایش درد در هنگام زایمان مجازات کرد؟ ثانیاً، چرا اشتیاق داشتن به شوهرش در مجازات عنوان شده است، مگر اینکه او با اشتیاق داشتن به شخص دیگری گناه ورزیده باشد؟ تصویری در عهد عتیق وجود دارد که مجازات باید متناسب با جرم صورت گرفته، باشد. (خروج ۲۲:۲۱ - ۲۵) از آنجایی که حوا به بدن خود اجازه داد تا برای تولید نسل مورد استفاده‌ی مار قرار گیرد و این‌گونه گناه ورزید، خدا او را با

می‌خواست جدا از خدمات کلیسا، خرسندی خود را در خدا بیابد. او می‌خواست خرسندی و شفا را در بسترش در نیمه‌های شب بیابد. آمین! مغز استخوان و چربی چیزهایی بودند که مردم زمان داوود فهمیده بودند که فرد قحطی زده یا کسی را که در یک بیماری هولناک است، شفا می‌دهد. این امر امروز نیز صادق است. آبگوشت استخوان معده‌تان را شفا می‌دهد، مفصل‌هایتان را تقویت می‌کند و پوستتان را تمیزتر و شفاف‌تر می‌سازد. او از خدا خواستار شفا، قوت و سلامتی برای روح خود بود و از طریق دعایش این کار را انجام می‌داد.

"زمانی فرا رسید که فرزندان عبرانی (یهودی) باید موضع خود را روشن می‌ساختند، آنها یا باید به تمثال امت‌ها تعظیم می‌کردند یا ایمان خود را به خدای راستین و زنده نگاه می‌داشتند. زمان آن فرا رسید که باید تصمیم گرفته می‌شد. آنها تصمیم درست را گرفتند و خدا با آنها بود.

زمانی فرا رسید که دانیال نبی باید تصمیم می‌گرفت که دعا نکند، و سنت دین آن کشور را نگاه دارد، یا به عادت مرسوم خود ادامه دهد، جایی که او با خدا مشارکت داشت. او پنجره‌ها را باز کرده و هر روز بسوی هیکل دعا می‌کرد. و دانیال باید تصمیمش را می‌گرفت. و سرانجام زمان او را به جایی کشاند که باید تصمیم می‌گرفت."^۱

ما باید درک کنیم که دانیال می‌توانست بطور مخفیانه در اتاق خود دعا کند و از نظر همه پنهان می‌ماند، اما او تصمیم گرفت اعمال روزانه‌ی خود را بدون ترس ادامه دهد. تصور کنید به شما گفته شود، دیگر نباید دعا کنید. آنها نگفتند که باید ایمان خود

^۱ زمان در دست است، ۸ اپریل ۱۹۵۶، برادر ویلیام ماریون برانهام

را انکار کنید، آنها نگفتند که باید خدای کذب‌ای را پرستش کنید، آنها گفتند شما نمی‌توانید دعا کنید. دانیاال ترجیح داد بمیرد، تا اینکه دعای روزانه‌اش را متوقف کند. چند نفر از ما دعای روزانه‌مان را آن‌قدر دست کم می‌گیریم که به تهدید مرگ نیز نیاز نباشد تا دعایمان را متوقف کنیم؟ ما کمی خسته هستیم، بنابراین دعا را متوقف می‌کنیم. این شرم آور است!

می‌خواهم نقل قولی را از ای. ام. باندز، یک خادم متودیسیت از دوران جنگ داخلی در ایالات متحده به شما بگویم.

"مردانی که به طور کامل مسیح را در شخصیت خود نشان دادند، و با قدرت تمام جهان را برای او تحت تاثیر قرار دادند، مردانی بودند که زمان زیادی را با خدا سپری می‌کردند، و آن را ویژگی قابل توجه زندگی خود می‌ساختند. چارلز سایمون ساعت‌های بین ۴ تا ۸ صبح را به خدا اختصاص داد. آقای وسلی روزانه دو ساعت را به دعا اختصاص می‌داد. او ساعت ۴ صبح آغاز می‌کرد. شخصی که او را به خوبی می‌شناخت، در مورد او نوشت: "او فکر می‌کرد که دعا کردن بیش از هر چیز دیگری کار و مسئولیت او می‌باشد، من او را دیده‌ام که با متانت و صورتی که نزدیک به درخشیدن بود، از اتاقش بیرون آمد." جان فلچر دیوارهای اتاق خود را با نفسی که از دعایش بر می‌خواست لکه‌دار کرده بود. گاهی اوقات او تمام شب را دعا می‌کرد؛ همیشه، اغلب، با جدیت تمام. تمام زندگی او در دعا بود. او گفت، "از صندلی خود بلند نخواهم شد، مگر آنکه قبلش قلب خود را نزد خدا بلند کرده باشم." تهنیت او به یک دوست همیشه بدین شکل بود: "شما را در دعا ملاقات خواهم کرد؟" لوتر گفت: "اگر من موفق نشوم هر روز صبح دو ساعت در دعا باشم، شیطان در طول روز پیروز خواهد شد. من آن‌قدر کار دارم که نمی‌توانم بدون سه ساعت دعای روزانه به آن ادامه دهم." او یک شعار داشت: "آنکه

"و قائن زوجه خود را شناخت. پس حامله شده، خنوخ را زایید. و شهری بنا می‌کرد، و آن شهر را به اسم پسر خود، خنوخ نام نهاد." پیدایش ۱۷:۴

"پس آدم بار دیگر زن خود را شناخت، و او پسری بزاد و او را شیث نام نهاد، زیرا گفت: خدا نسلی دیگر به من قرار داد، به عوض هابیل که قائن او را کشت." پیدایش ۲۵:۴

این دو آیه دارای همان الگوی پیدایش ۱:۴ می‌باشند، لیکن بیابید آنها را در ترجمه‌ی تحت‌اللفظی از عبری بررسی کنیم.

و - او - خواهد - شناخت «قائن (حاصل شده)» زن - او - و - او - خواهد - حامله - شده - و - او - خواهد - زایید - «خنوخ (وقف شده)» و - او - خواهد - بنا - کرد - شهری - و - او - خواهد - نامش را نهاد - مانند شهر - اسم پسر - خود «خنوخ (وقف شده)». پیدایش ۱۷:۴

و - او - خواهد - شناخت - انسان - بار دیگر - زن - او را - و - او - بزاد - پسری - و - او - خواهد - نام نهاد - «شیث» - زیرا - به من - گفت - «الوهیم (قدرت ها)» نسلی - دیگر - قرار - داده - به - عوض - او - که - کشته شد «قائن (حاصل شده)». پیدایش ۲۵:۴

هر دو واژه در زمان ناقص هستند و بنابراین دو عمل را به هم مرتبط می‌سازد. اینکه قائن همسر خود را بشناخت، بطور مستقیم با آستن شدن پسرش مرتبط است.

برای تکرار، در زبان عبری هیچ علائم نگارشی وجود ندارد، بنابراین دو عمل متفاوت توسط دو زمان فعل متفاوت از هم متمایز می‌شوند. پیدایش ۱:۴ دارای دو زمان فعل متفاوت است و بنابراین عمل شناختن حوا توسط آدم متمایز از عمل آستن شدن

گیل^{۱۰} می‌گوید، مشاهده کنم: «و آدم همسرش حوا را بشناخت...» جارچی^{۱۱} این را تفسیر می‌کند «شناخته بود»، حتی قبل از آنکه او گناه کند، از باغ بیرون رانده شد؛ همچنین دیگر نویسندگان یهودی... یعنی عمل شناختن همسرش در زمان گذشته صورت گرفته است. حال آن را دقیق‌تر بررسی خواهیم کرد. بیایید به ترجمه‌ی تحت‌اللفظی آن از زبان عبری نگاه کنیم، این ترجمه به زبان انگلیسی قابل فهم نخواهد بود.

"و - انسان - او - شناخته بود - «حوا (زندگی)» زن - را - و - او - حامله - خواهد - شد - و - او - «قائن (حاصل شده)» - را - خواهد - زاید - و - مردی - از - یهوه (او هست) " پیدایش ۱:۴ (تأکید بر مالکیت)

زمان کامل در پیدایش ۱:۴ قائن را بطور مستقیم به مار وصل نمی‌کند، اما در نتیجه‌ی زمان کامل برای فعل «شناختن» (شناخته بود)، این بین عمل آدم و آبتن شدن قائن فاصله می‌اندازد.

از آنجا که زبان عبری علائم نگارشی ندارد، اغلب دو اندیشه‌ی گوناگون، توسط زمان‌های فعل از هم جدا می‌شوند. بنابراین می‌تواند این‌گونه برداشت شود که گفته می‌شود: "و آدم، زن خود حوا را شناخته بود. و او حامله شده، پسری زاید... " بنابراین عمل شناخت همسرش از عمل حامله شدن قائن، متمایز است. از آنجا که آنها در باغ عدن گناه کردند، در واقع آنها یکدیگر را در باغ عدن پس از عمل بین حوا و مار، «شناخته‌اند». برای تقویت بیشتر این درک بیایید پیدایش ۱۷:۴ و ۲۵ را مرور کنیم.

خوب دعا کرده است، خوب مطالعه کرده است.^۲

"من قبل از آنکه کسی را ببینم، باید دعا کنم. اغلب هنگامی که به مدت طولانی می‌خوابم، یا دیگران را زودتر از برنامه ملاقات می‌کنم که تا ساعت یازده یا دوازده ادامه می‌یابد، من در نهان دعا را آغاز می‌کنم. این سیستم اسف‌بار است. این مغایر کتاب مقدس است. مسیح بامدادان قبل از صبح برخاسته و به خلوتگاهی می‌رفت. داوود می‌گوید: "در سحر تو را خواهم طلبید." "ای خداوند صبحگاهان آواز مرا خواهی شنید." دعای خانوادگی بسیاری از قدرت و شیرینی خود را از دست می‌دهد، و من نمی‌توانم برای آنانی که نزد من می‌آیند و این را از من طلب می‌کنند، مفید باشم. وجدان احساس گناه می‌کند، جان گرسنه است، چراغ‌ها آماده نمی‌باشد. و هنگامی که در دعای نهان جان ما اغلب هماهنگ نمی‌باشد، من احساس می‌کنم بسیار بهتر است که با خدا آغاز کنیم، تا نخست صورت او را ببینیم، و پیش از ملاقات با دیگران جان خود را به او نزدیک کنیم.^۳

"حال، داخل بیایید. و شما مسیحیان دیگر فاطر نباشید. همه چیز را کنار بگذارید. تنها تا آنجا که می‌توانید به خدا نزدیک شوید. با او راه روید، با او صحبت کنید. بگذارید هر چیزی غیر از دعا در اولویت دوم قرار گیرد. همیشه در کنار او بمانید."^۴

من تک تک شما را به چالش می‌کشم که بار دیگر قلب خود را وقف او کنید... مردان و زنان دعا شوید. نگذارید زندگی این فرصت را از شما برباید، فرصت به خدا نزدیک شدن و تأثیر جاودانه‌ای که از طریق دعا بر روی دنیا می‌گذارد.

^۲ قدرت دعا، ای. ام. باندز - E.M. Bounds
^۳ رابرت موری مک چین - Robert Murray McCheyne
^۴ ۰۸۱۴ - شهادت - برادر ویلیام ماریون برانهام

پدر کلیسای اولیه، ترتولیان، در قرن سوم اظهار داشت: "او از ابلیس حامله شده... پسری به دنیا آورد." کتاب بردباری ۱۵:۵

پیدایش ۴:۱ چگونه؟

بنابراین بیاید یکی از اعتراضات اصلی این آموزه را مورد بررسی قرار دهیم. در پیدایش ۴:۱ می‌خوانیم: *"و آدم، زن خود حوا را بشناخت و او حامله شده، قاتن را زایید و گفت: مردی از یهوه حاصل نمودم."*

به منظور توضیح این که چگونه این آیه مربوط به ذریت مار می‌شود، ما نیاز به درک زمان افعال زبان عبری داریم. برای انجام این کار شما را به یادگیری افعال عبری ارجاع می‌دهم. درس ۳ زمان‌های فعل توسط جف ای. بنر^۹ «هر فعل عبری زمان فعل نیز را مشخص می‌سازد. در زبان انگلیسی یک فعل می‌تواند سه زمان داشته باشد؛ گذشته، حال یا آینده. نمونه‌های آن چنین خواهد بود: «تو یک درخت بریدی» (گذشته)، «تو در حال بریدن یک درخت هستی» (حال) و «تو یک درخت خواهی بریدی» (آینده). زبان عبری کتاب مقدس تنها دارای دو زمان است، کامل و ناقص. در حالی که سه زمان افعال در زبان انگلیسی به زمان مربوط می‌شوند، زمان افعال عبری کتاب مقدس به عمل مربوط است. زمان کامل عملی به اتمام رسیده است، در حالی که زمان ناقص، عملی نا تمام است.

با این درک این موضوع، می‌خواهم پیدایش ۴:۱ را بصورت دقیق‌تری مورد بررسی قرار دهم. برای انجام این کار می‌خواهم آنچه را که مفسر کتاب مقدس، جان

^۹ Lesson ۲ Verb Tenses by Jeff A. Benner

"دعا کردن بزرگ‌ترین کاری است که می‌توانیم انجام دهیم و برای انجام درست آن باید آرامش، زمان و تأمل وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت دعا به کوچک‌ترین و پست‌ترین چیزها تنزل می‌کند. دعای حقیقی بیشترین نتایج نیکو را همراه دارد؛ و دعای ضعیف، کم‌ترین را. ما نمی‌توانیم بیش از حد دعای حقیقی انجام دهیم؛ ما نمی‌توانیم بیش از حد ریاکاری کنیم. ما باید از نو این هنر شگرف را یاد بگیریم. ما نباید جسته و گریخته و کم دعا کنیم. "سخن کوتاهی با عیسی" مثل سرودهای کوتاه، بلکه باید برای خدا و با تمام وجود به بهترین ساعات روز چنگ زینم و طلب کنیم، و گرنه آن دعایی نخواهد بود که شایسته‌ی نام او باشد."^۵

بزرگ‌ترین سلاحی که ما در زرادخانه‌مان داریم، دعا می‌باشد. ما می‌توانیم آن را برای جلال خدا استفاده کنیم یا می‌توانیم به خدا بی‌احترامی کرده و با نادیده گرفتن آن، عدم اشتیاق خود را نشان دهیم. خدا به ما کمک کند و ما را از ناپاکی قلبمان که پشت کرده و از دعا فراری است، آزاد سازد. شیرین همه چیز را بر سر راهمان قرار می‌دهد تا ما را از دعا کردن دور نگاه دارد.

"زمان بیشتر و دعای صبحگاهی مانند جادو عمل کرده و بسیاری از زندگی‌های روحانی تباه شده را احیا و تقویت می‌کند. زمان بیشتر و ساعات دعای صبحگاهی در زندگی مقدس نمایان می‌شود. اگر دعای ما آنقدر کوتاه و با عجله همراه نبود، زندگی مقدس آنقدر کمیاب یا چیز سختی نمی‌بود. اگر مدت زمان ماندن در اتاق دعا بیشتر شود و قوت یابد، خلق و خوی مسیح و ارانه در عطر شیرین و صلح‌آمیز آن آنقدر غریب و میراث نا امید کننده نخواهد بود. ما ضعیف زندگی می‌کنیم، چون خسیسانه دعا می‌کنیم."^۶

^۵ قدرت دعا، ای. ام. باندز - E.M. Bounds
^۶ قدرت دعا، ای. ام. باندز - E.M. Bounds

اهمیت خدمت اثبات شده‌ی ملاکی ۴ در ایام آخر

"اینک من ایلیای نبی را قبل از رسیدن روز عظیم و مهیب خداوند نزد شما خواهم فرستاد. و او دل پدران را بسوی پسران و دل پسران را بسوی پدران خواهد برگردانید، مبادا بیایم و زمین را به لعنت بزنم." ملاکی ۵:۴ - ۶

وعده‌های زمان آخری بسیاری در رابطه با قوم خدا وجود دارد. این یکی از آنهاست. یهودیان زمان عیسی بر این تأکید داشتند و حتی آن را به عنوان مدرکی بر علیه خدمت مسیحایی خداوند عیسی، استفاده کردند.

"شاگردانش از او پرسیده، گفتند: پس کاتبان چرا می‌گویند که می‌باید الیاس اول آید؟ او در جواب گفت: البتّه الیاس می‌آید و تمام چیزها را اصلاح خواهد نمود. لیکن به شما می‌گویم که الحال الیاس آمده است و او را نشناختند، بلکه آنچه خواستند با وی کردند؛ به همان‌طور پسرانسان نیز از ایشان زحمت خواهد دید." متی ۱۰:۱۷ - ۱۲

عیسی به شاگردان خود می‌گوید که ایلیا خواهد آمد، زمان آینده، و سپس می‌گوید او آمده است. بنابراین، ایلیا از پیش در صورت یحیی تعمید دهنده آمده بود و در عین حال، از آنجایی که دو آمدن مسیح وجود دارد، دو آمدن ایلیا نیز وجود خواهد داشت.

ملاکی ۶:۴ به ما می‌گوید ایلیا دو کار را انجام خواهد داد:

۱. دل پدران را بسوی پسران خواهد برگردانید

۲. دل پسران را بسوی پدران خواهد برگردانید

همان‌طور که گفتیم دو آمدن مسیح وجود دارد، بنابراین دو آمدن ایلیا نیز وجود

در سنت یهودی، کتاب‌های فیلو، ربی الیعزر و تارگوم^۱ اظهار می‌کنند که آدم پدر قائن نبود. بلکه حوا توسط سامائل یا مار (به زبان عبری ناهاش) یا خود ابلیس در باغ عدن فریفته شده است. تفسیر مسیحی از «آن شیر» در اول یوحنا ۳:۱۰ - ۱۲، برخی از مفسران مانند ترتولیان را بر این داشت تا موافق باشند که قائن پسر ابلیس بود.

ترجمه‌ی تارگوم اورشلیم که اساساً عبری کهن است، «ترجمه زنده» یا شبیه ترجمه‌ی «پیغام» می‌باشد. ترجمه‌ی تارگوم بجای نگاه کردن به عین کلمات به معنای حقیقی متون مقدس می‌نگرد. گرچه ما این روش ترجمه را تأیید نمی‌کنیم، اما تارگوم برای درک تفسیر یهودیان از کتاب مقدس مفید می‌باشد. آنها با خواندن گناه نخستین می‌گویند:

"و آدم، زن خود حوا را بشناخت، حوا که فرشته را مطلوب یافته بود؛ و او حامله شده، قائن را زایید و گفت: «مردی حاصل نمودم، فرشته‌ی خداوند. و از شوهر خود آدم بار دیگر دوقلوی او هابیل را زایید."

فرشته‌ای که آنها از آن سخن می‌گویند، فرشته‌ی خداوند به معنای حضور شخصی خود خدا نمی‌باشد، بلکه فرشته‌ی سقوط کرده‌ی خدا، لوسیفر یا شیطان می‌باشد. شیطان وارد بدن مار شد که حیوانی بود ایستاده و می‌توانست صحبت کند و به منظور فریفتن و وارد کردن خود به نسل بشر، با آدم و حوا ارتباط برقرار کرد.

و حال در مورد کلیسای اولیه، که خارج از رسالات الهام گرفته شده پولس و یوحنا ذکر شده است، چطور؟

^۱ Philo, Pirke De - Rabbi Eliezer, Targum Pseudo - Jonathan

دارد. بنابراین، کار دوگانه‌ی روح ایلیا را می‌بینیم. توجه داشته باشید، که فرشته‌ی خداوند به زکریا چه می‌گوید:

"و او به روح و قوت الیاس پیش روی وی خواهد خرامید، تا دل‌های پدران را به طرف پسران و نافرمانان را به حکمت عادلان بگرداند، تا قومی مستعد برای خدا مهیا سازد." لوقا ۱:۱۷

ملاکی ۵:۴ - ۶ نشان می‌دهد که ایلیا دو کار را انجام خواهد داد، اما فرشته‌ی خداوند، اینجا تنها یکی از آنها را نقل می‌کند. یحیی تعمید دهنده دل‌های پدران را به طرف پسران برگردانید. آن‌گاه، ما متوجه می‌شویم که در زمان آخر مردی در روح ایلیا خواهد آمد تا دل پسران را بسوی پدران برگرداند.

بنابراین، یحیی تعمید دهنده برای برگرداندن دل پدران به پسران چه کاری کرد؟ او به سادگی مردم را از پیروی شریعت موسی به پیروی فیض و راستی که از طریق خداوند عیسی مسیح آمده بود، برگرداند. او آمدن مسیح را به مردم معرفی کرد.

"اینک من ایلیای نبی را قبل از رسیدن روز عظیم و مهیب خداوند نزد شما خواهم فرستاد." ملاکی ۵:۴

اینجا می‌بینیم که ایلیا در واقع قبل از آن روز عظیم و مهیب خداوند فرستاده می‌شود. اما روز عظیم و مهیب خداوند چیست؟ برادر برانهام و کتاب مقدس این مسأله را به وضوح پاسخ می‌دهند.

روز خداوند زمانی است که روز انسان پایان می‌پذیرد. ملکوت این دنیا آن‌گاه ملکوت خدایمان خواهد شد. روز خداوند زمانی خواهد بود که داورها سقوط

۱۲. یوحنا ۸:۳۱ - ۴۷، هنگامی که عیسی می‌گوید که «پدر» فریسیان ابلیس است؛ چرا پاسخ ایشان این بود که، ما از زنا زاده نشده‌ایم؟

۱۳. پیدایش ۱:۳ - ۵، هنگامی که مار با حوا سخن گفت، حوا متعجب نشد چون این امر برایش عادی محسوب می‌شد. مار مانند مارهای امروزه خزنده نبود. نام مار دلالت بر دانایی و فریبنده بودن او دارد. او سخن می‌گفت و بصورت ایستاده راه می‌رفت.

۱۴. یک زن می‌تواند از دو مرد متفاوت در یک روز حامله شود. و آن لقاح همزمان چند پدری نامیده می‌شود.

۱۵. در پیدایش ۱۵:۳ حاملگی زنان تکثیر یافته بود. اگر او هنوز (توسط مار و آدم) حامله نشده بود، بنابراین چیزی برای تکثیر شدن وجود نداشت.

۱۶. رفع ادعا یا مسئولیت: این تعالیم مبنایی برای تبعیض نژادی نمی‌باشد. همه‌ی نژاد بشر از نوح و همسرش می‌آیند. هیچ نژاد ژنتیکی مجزایی به طور مستقیم به مار گره نخورده است.

تعالیم تاریخی؟

بنابراین، پرسشی که معمولاً در این مورد مطرح می‌شود این است: آیا این دیدگاه از گناه نخستین جدید است یا در گذشته نیز به آن معتقد بودند؟

بطرز شگفت‌انگیزی، بسیاری از دانشمندان یهودی قبل از مسیحیت نیز به دیدگاه ذریت داشتن مار از طریق زنا با زن باور داشتند. ما در ویکی‌پدیا این طور می‌خوانیم:

سخن می گوید.

می کنند، و پس از آن هزاره می آید.

"و آمدن روز خدا را انتظار بکشید و آن را بشتابانید، که در آن آسمان ها سوخته شده، از هم متفرق خواهند شد و عناصر از حرارت گداخته خواهد گردید." دوم پطرس ۱۲:۳

پس می بینیم که روز خداوند زمانی خواهد بود که آتش از آسمان فرو می ریزد، چنانکه سدوم را سوزاند و زمین و تمام آثار آن سوزانده شد. در حقیقت ملاکی ۱:۴ از این سوزانده شدن می گوید.

"زیرا اینک آن روزی که مثل تنور مشتعل می باشد، خواهد آمد و جمیع متکبران و جمیع بدکاران گناه خواهند بود. و یهوه صباوت می گوید: آن روز که می آید ایشان را چنان خواهد سوزانید که نه ریشه و نه شاخه ای برای ایشان باقی خواهد گذاشت." ملاکی ۱:۴

درست پس از پایان دوره عذاب سخت و درست قبل از هزاره، زمانی خواهد بود که روز خداوند خوانده می شود و در آن آتش، بدکاران را می سوزاند. به یاد داشته باشید، خدا همیشه قبل از داوری هشدار داده و رحمت می کند. بنابراین او ایلیا را می فرستد تا فیض را به جهان بیاورد.

بسیاری می گویند که این درست است، اما شما آیه ای را برجسته می کنید که تنها مناسب یهودیان است، نه امت ها. من می خواهم بر اساس کتاب مقدس نشان دهم که ملاکی ۵:۴ - ۶ برای امت ها نیز می باشد.

بیاید با دو شهادت آمدن ایلیا را مکاشفه ۱۱، با ایلیای ملاکی ۴ مقایسه کنیم.

می خواهم آنچه را که در آیه ۶ گفته شده تأکید کنم: "مبادا بیایم و زمین را به

۴. پیدایش ۸:۴، بین قائن، ذریت مار؛ و هابیل، ذریت زن؛ دشمنی وجود داشت.

۵. پیدایش ۲۰:۳، چرا حوا مادر جمیع زندگان خوانده می شود، ولی آدم پدر جمیع زندگان خوانده نمی شود؟

۶. پیدایش ۱:۵ - ۳، چرا نام قائن هرگز در شجره نامه ی آدم نیامده است؟ در عین حال پیدایش اصل و نسب قائن را متمایز از اصل و نسب آدم نگاه می دارد.

۷. پیدایش ۳:۵، چرا آدم می گوید که شیث و هابیل به شبیه و بصورت او بودند، و قائن هرگز چنین نبود؟

۸. پیدایش ۱۶:۳، اگر گناه آنها خوردن خوراکی بود چرا بخشی از لعنت مربوط به حاملگی و درد زایمان است؟ آیا ممکن است درد زایمان نشان دهنده ی یک مجازات متناسب با گناه بوده باشد؟

۹. اول یوحنا ۱۲:۳، همان گونه که یک شجره نامه نوشته می شود، می گوید که قائن از آن شریر بود. [در لوقا ۲۳:۳ - ۲۸ در متن اصلی یونانی هیچ کلمه «پسر» نوشته نشده است. به سادگی می گوید هالی از متات، از لاوی، و غیره...]

۱۰. پولس از گناه نخستین در دوم قرنتیان ۱:۱۱ - ۳ سخن می گوید و آن را با زن نامزد شده ای مقایسه می کند که با رابطه داشتن با مرد دیگری به نامزدش خیانت می کند.

۱۱. متی ۲۴:۱۳ - ۳۰ و ۳۶ - ۴۳ می گوید کرکاس هایی که در مزرعه کاشته شده بودند، و دنیوی می باشند، فرزندان شریرند.

لعنت بزئم." کلمه‌ی lest (مبادا) در زبان عبری به معنای رفع می‌باشد، و در این مفهوم، برای پیشگیری. بنابراین، ایلیای ملاکی ۴ می‌آید تا از داوری خدا پیشگیری کند.

بررسی ایلیا در مکاشفه باب یازدهم

"اینها قدرت به بستن آسمان دارند تا در ایام نبوت ایشان باران نبارد و قدرت بر آب‌ها دارند که آنها را به خون تبدیل نمایند و جهان را هر گاه بخواهند، به انواع بلاها مبتلا سازند." مکاشفه ۱۱:۶

بنابراین ایلیای ملاکی ۴ می‌آید تا از لعنت شدن زمین جلوگیری کند. ایلیای مکاشفه ۱۱ زمین را لعنت می‌کند.

۱. ملاکی ۴: "مبادا بیایم و زمین را به لعنت بزئم." - دوره‌ی فیض

۲. مکاشفه ۱۱: "اینها قدرت دارند... و زمین را مبتلا سازند." - دوره‌ی عذاب

بنابراین، ایلیای ملاکی ۴ باید در دوره‌ی فیض بیاید. دلیلش این است که او فرستاده شده تا از داوری جلوگیری کند، یا راهی برای فرار از داوری که در ملاکی ۱:۴ گفته شده ارائه دهد، جایی که زمین خواهد سوخت. ایلیا به همراه پیغامی برای توبه و بازگشت به خدا خواهد آمد. این فیض و رحمت خدوند است.

"^{۱۵} و یهوه خدای پدر ایشان به دست رسولان خویش نزد ایشان فرستاد، بلکه صبح زود برخاسته، ایشان را ارسال نمود؛ زیرا که بر قوم خود و بر مسکن خویش شفقت نمود.^{۱۶} اما ایشان رسولان خدا را اهانت نمودند و کلام او را خوار شمرده، انبیایش را استهزا نمودند، چنانکه غضب خداوند بر قوم او افروخته شد، به حدی که

کتاب مقدس وجود دارد که نیاز به عبارات تکمیلی دیگری از کتاب مقدس دارد، تا معانی پنهان آنها آشکار شود. یافتن این عبارات کلیدی می‌تواند بطور واضح‌تر در درک تعالیم گناه نخستین به ما کمک کند.

باور عمومی در مورد تفسیر گناه نخستین این است که آدم و حوا در حال خوردن میوه‌ای واقعی از درخت معرفت بودند. اما بر اساس متن پیدایش و آنچه در سرتاسر کتاب مقدس نوشته شده است، گناه نخستین رابطه جنسی بین حوا و مار بود که منجر به تولد قائن می‌شود. ممکن است خواندن مطلب این باعث تعجب شما شود، اما بیایید به برخی از عبارات کلیدی در کتاب مقدس، آموزه‌ی تاریخی یهودیت و کلیسا، و داوری‌هایی که خداوند بر انسان قرار داد نگاه کنیم، که آنها به این تفسیر از گناه نخستین اشاره می‌کنند. لطفاً این کتابچه را تا انتها مطالعه کنید، تا آنچه را که تعلیم داده می‌شود، بطور کامل درک کنید.

متون کلیدی برای رسیدن به حقیقت

به این نکات کلیدی پنهان که حقیقت کلام را در مورد هبوط آشکار می‌کند، فکر کنید.

۱. پیدایش ۱۵:۳، گفته شده که مار ذریت خواهد داشت. آن ذریت چه کسی بود؟

۲. پیدایش ۷:۳، آنها بجای پوشاندن دهانشان عریانی‌شان را پوشاندند. اگر آنها

میوه‌ای واقعی خورده بودند، چرا باید عریانی‌شان را بپوشانند؟ آنها عضوی از بدن را که با آن مرتکب گناه شده بودند، پوشاندند.

۳. امثال ۲۰:۳۰، و غزل غزل‌های سلیمان ۱۶:۴ از «خوردن» به عنوان رابطه‌ی جنسی

"اگر کسی خود را نبی یا روحانی پندارد، اقرار بکند که آنچه به شما مینویسم، احکام خداوند است." اول قرنتیان ۱۴:۳۷

علاجی نبود." دوم تواریخ ۳۶:۱۵ - ۱۶

در طول دوران مختلف خدا پیغام آور خود را می فرستد تا باعث توبه مردم شود، این رحم خدا نسبت به ماست، اما اگر این رحم رد شود، آن گاه تنها داوری می آید.

ملاکی ۴ می خواهد باعث رحم خدا نسبت به جهان شود، دنیا را به توبه فرا می خواند و این امر قبل از آن است که دو شاهد در صحنه مکاشفه ۱۱ در طول دوره عذاب سخت، ظاهر شوند. دوره عذاب سخت زمانی است که رحم خداوند از امت ها فقط بسوی یهودیان برمی گردد.

بنابراین او می دانست که به بیش از یک الهیات عادی نیاز بود، به بیش از یک پیغام ساده نیاز بود، به بیش از صرفاً موعظه کردن کلام نیاز بود، تا قلب سنگی شان شکافته شود. او می دانست که به «خداوند چنین می گوید» نیاز است تا داوری را بر مردم بفرستد، بنابراین هنگامی که او با «خداوند چنین می گوید» بیرون می رفت این را می دانست. آن «خداوند چنین می گوید» بود. و رد کردن آن، به معنای داوری بود. این را در ایام خود نیز می بینیم. هر روزه آن را می بینیم. هنگامی که از خط رحمت عبور می کنید، هیچ چیز دیگری جز داوری باقی نمی ماند.

پس بیاید کاملاً آن را باز کنیم. خدمت برادر برانهام آن قدر بطور کامل توسط نشانه ها، معجزات و نبوت های محقق شده اثبات شده است که باید شخص عمداً خود را به کوری بزند تا بتواند از کنار آن عبور کند. اما این شرایط عادی، جریان اصلی گروه ارتدوکس می باشد که در مسیحیت یا دنیای یهود قدرت دارد. آنها همیشه اشخاصی را که برایشان فرستاده شدند، رد کردند. آیا آن گروه مذهبی در اورشلیم، ارمیا، اشعیا، یحیی تعمید دهنده، عیسی، پولس یا یعقوب را پذیرفتند؟ آنها در طول ادوار همیشه رد شدند. این مردان خدا سرزندی بودند برای آن سازمان ها، آنها همچنین معلمین کذب

چگونه خداوند اجازه می دهد چیز اشتباهی بگویم و در پیغام خود ایستادگی کنم. اینها اثبات های الهی هستند که نشان می دهد الهیات من درست می باشد. این دقیقاً درست است. کلام خداوند بر انبیاء نازل شد.

گناه اولیه

آیا گناه اولیه به معنای واقعی کلمه، خوردن میوهی یک درخت بود؟ آیا تا به حال فکر کرده اید که چرا مجازات زن برای خوردن این میوه افزایش درد زایمان بود؟ چرا کتاب مقدس می گوید که میان نسل تو و نسل زن دشمنی می گذارم؟ آیا ممکن است که دست نوشتهی گناه اولیه یک کلمه ی تصویری باشد؟ این جزوه شواهد کتاب مقدسی را برای آشکار ساختن حقیقت، مورد بررسی قرار می دهد.

کتاب مقدس حقایق بسیاری را از چشم دانایان و خردمندان پنهان می کند و به کودکان مکشوف می سازد. برای آنانی که در روح، مانند کودکان مکشوف خواهد شد. آنانی که در روح راه می روند، مانند کودکان، کتاب مقدس در انجیل متی ۱۱:۱۳ می گوید: "دانستن اسرار ملکوت آسمان به شما عطا شده است." حقیقت در مورد گناه نخستین آموزه بسیار ساده ای می باشد، لیکن حقیقت در مورد گناه نخستین باعث می شود کتاب مقدس به طریقی کاملاً جدید برای شما باز شود، همان طور که برای من باز شد.

گرچه بیشتر کتاب مقدس، به ویژه کتاب پیدایش، باید به معنای واقعی کلمه در نظر گرفته شود و همان طور که نوشته شده باید به آن ایمان داشت؛ عبارات خاصی در

انگاشته شدند که مردم را از تعلیم راستین دور می‌کنند. بنابراین، هنگامی که خدا روح ایلیا را در ایام آخر می‌فرستد، باید دقیقاً به همان طریق باشد. او باید سرزنی باشد برای جریان اصلی دنیای مسیحیت، باید رد شود و توسط جریان اصلی مسیحیت خرافات پرستی تلقی شود. از میان صدها هزار یهودی، تقریباً حدود ۱۲۰ نفر عیسی و شاگردانش را تا بالاخانه پیروی کردند. این همیشه اقلیت مردم می‌باشد.

علم مطلق باورنکردنی که در زندگی برادر برانهام دیده شد، اثبات خدمت او بود. او دقیقاً فکر شما را از روزها، هفته‌ها با سال‌ها قبل می‌دانست. او حتی می‌توانست به شما بگوید در اتاقتان در مورد چه چیزی دعا می‌کردید و جوابش را به شما بدهد. این کار او نبود؛ این اعمال از برادر برانهام نبوده و نمی‌باشد. او همیشه به مسیح اشاره کرد و به ما گفت که برای عیسی مسیح زندگی کنیم و او را پیروی کنیم. او هفت چیز را در سال ۱۹۳۳ پیش‌گویی کرد، که شش تای آنها به واقعیت پیوسته است. او وقایعی را در زندگی مردم پیش‌گویی کرد، هزاران نفر شاهد خدمت او بوده‌اند. موارد بسیاری مانند جوزف اسمیت از مورمون‌ها^۷ و محمد از اسلام وجود دارند که مدعی هستند فرشته‌ای را ملاقات کرده‌اند، اما هیچ آیه‌ای اثبات نمی‌کند که این حقیقت داشته باشد. ولی در مورد خدمت یک نبی، مردم باید شاهد قدرت خدمت او باشند و باید بتوانند در مورد آن شهادت بدهند. این امر در مورد قیام عیسی مسیح نیز صدق می‌کند، مردم او را

^۷ Joseph Smith of the Mormons مورمون‌ها گروه مذهبی و فرهنگی مرتبط با شاخه اصلی جنبش قدیسان آخرالزمان مسیحیت احیاگر هستند که با جوزف اسمیت در ایالت نیویورک آمریکا در دهه ۱۸۲۰ میلادی شروع شد. مورمون‌ها آیین خود را «جنبشی احیاگر» می‌دانند و بر این باورند که تعالیم، آداب و رسوم و سازمان کلیسا که بر اثر نافرمانی بشر در قرون اولیه میلادی به ورطه‌ی نابودی سپرده شده بود، از طریق وحی الهی به جوزف اسمیت احیا شده است.

دیدند که کشته شد، مردم شاهد قیام او بودند و مردم به خدمت او شهادت دادند. این امر در مورد برادر برانهام نیز صدق می‌کند. موضوع در مورد پیروی از عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالآباد است و بازگشت به حقیقت اصلی کتاب مقدس.

در ملاکی ۴ در می‌یابیم که او وعده‌ی یک پیغام در ایام آخر را به ما داد، اینکه: "ایمان مردم را احیا کرده و به ایمان پدرانشان باز می‌گرداند."

حال، این خارج از کلام ارزشی نخواهد داشت، چون شما نمی‌توانید چیزی از کلام کم کنید با به آن بیفزایید. این همیشه باید بر اساس کلام باشد. لیکن مکاشفه برای آشکار ساختن حقیقت آن می‌باشد، اینکه چیست، تا با مابقی کتاب مقدس مطابقت داشته باشد.

این مکاشفه‌ای خارج کتاب مقدس نیست، بلکه آشکار شدن کتاب مقدس به گونه‌ای است که ما را به درک حقیقی آنچه از ابتدا بوده، بازگرداند. این پیغام رحمت خدا به زمان آخر است، تا ما را برای بازگشت خداوند آماده سازد.

حال، هنگامی که این خدمت اثبات شده را می‌پذیریم، نمی‌توانیم صرفاً از آن برای بنا نهادن تفسیر خود استفاده کنیم. بلکه ما تسلیم مکاشفه‌ی آن می‌شویم. برادر برانهام بعنوان یک مرد، مرتکب اشتباهاتی شد. او همیشه در مورد آنها صحبت می‌کند. او همانند من و شما گناهکار بود. لیکن خدا از او استفاده کرد، تا مکاشفه‌ای را به کلیسا بیاورد. شاید او از دستور زبانی ضعیفی استفاده می‌کرد و در بازگو کردن داستان‌های مختلف، دچار اشتباه شده می‌شد، اما این چیزها توسط خدا مقدر شد تا گندم را از کرکاس‌ها غربال کنند. برگزیدگان می‌توانند مکاشفه‌ای را که در صحبت‌های نبی هست، مشاهده کنند. آن را در کتاب مقدس جستجو کرده و حقیقتی را مشاهده کنند که از طریق آنها زندگی می‌کند. وقتی برادر برانهام تعالیم خاصی را آموزش می‌دهد، پس ما هم بعنوان ایمانداران از آن اطاعت می‌کنیم. درست همان‌طور که پولس به قرنتیان تعلیم داد.